

سال اول / شماره یک / دی ۱۳۹۹

فصل نامه انجمن علمی علوم قرآن و
حدیث دانشگاه الزهراء

در این شماره می خوانیم:

- رقص میانه میدان

- خانواده قرآنی

- از این کارها بپرهیز!

- صحیفه مهربانی

- منتظرانه

- حس ورود به دانشگاه در ایام کرونا

سخن سردبیر

قرآن؛ کلام هستی بخش جهان! قرآن تسکین دهنده دل ها! قرآن منور قلوب! قرآن انیس النفوس! قرآن سرمایه ای جاودان برای انسان است. انسانی حق گرا، متعالی خواه و کمال طلب. انسانی که در این هیاهوی لذاذذ دنیوی، در این خیالات و امیال باطل و شهوات نفسانی فریبنده گیر کرده، نیاز به یک هدایتگر و نجات بخش دارد تا او را از اینهمه هیاهو به سوی آرامشی سوق دهد که تمام وجودش را فراگیرد.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء/۹)؛ این قرآن به راهی که استوارترین راه هاست هدایت می کند.

او این کتاب را به عنوان هدایتگری برای بشریت فرستاده. در کنار این کتاب، رسول اکرم (ص) را مفسر و تبیین گر آن فرستاده تا نور این کتاب را بیشتر و بیشتر بر عالم بشریت بگستراند و به مسلمین دستور داده: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر/۷)؛ آنچه رسول اکرم دستور دهد (منع یا عطا کند) بگیرید و هر چه نهی کند را واگذارید.

پیامبر نیز قرآن و عترت را به عنوان ۲ ثقل گرانبها و جدایی ناپذیر معرفی نموده است. (حدیث ثقلین)

«إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترتی أَهْلِ بیتی مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا»؛ من در میان شما ۲ ثقل گرانبها قرار می دهم: کتاب خدا (قرآن) و اهل بیت. مادامی که به این دو تمسک جوید هرگز گمراه نخواهید شد.

پس انسان با مراجعه به این دو می تواند برنامه زندگی خود را متناسب با آن ها سامان دهد و به آرامش و سعادت دنیوی و اخروی نایل گردد.

رشته علوم قرآن و حدیث نیز سعی بر این دارد تا رهنمودهای قرآن کریم و بزرگان دینی را در کنار هم به ما عرضه کرده و آموزش دهد.

در این نشریه سعی بر این شده که قطره ای از این دریای بی کران رهنمودهای قرآن و ائمه اطهار بیان گردد تا این شاء الله چراغ راهی برای ما گردد.

رقص میانه میدان

به منزله شکست توست...

با خود فکر کن اگر در چنین محیطی قرار داشتی، حاضر بودی به بقیه کمک کنی و اشکالات درسیشان را رفع کنی...؟

شهید چمران در خاطرات دوران تحصیلش در دانشگاه کالیفرنیا می‌گوید: «رقابت آنچنان خصمانه‌ای بین دانشجویان وجود داشت، که هیچ کس از ترس پیش افتادن دیگری جواب سؤال هم کلاسیش را هم نمی‌داد! با این حال من به همه کمک می‌کردم، به خصوص در ریاضیات و به این موضوع در دانشگاه معروف بودم...»

و در همین دوران با خدای خود اینگونه مناجات می‌کند: «ای خدا، من باید از نظر علم از همه برتر باشم، تا مبادا که دشمنان، مرا از این راه طعنه زنند. باید به آن سنگدلانی که علم را بهانه کرده و به دیگران فخر می‌فروشند، ثابت کنم که خاک پای من هم نخواهند شد! باید همه آن تیره دلان مغرور و متکبر را به زانو درآورم، آنگاه خود خاضع‌ترین و افتاده‌ترین فرد روی زمین باشم. ای خدای بزرگ، این‌ها که از تو می‌خواهم چیزهاییست که فقط می‌خواهم در راه تو به کار اندازم و تو خوب می‌دانی که استعداد آن را داشته‌ام. آنچه می‌خواهم آن چیزی است که تو دستور داده‌ای و می‌دانم که عزت و ذلت به دست توست و می‌دانم که بی تو هیچم و خالصانه از تو تقاضای کمک و دستگیری دارم...»

گویی عرصه جهاد برای چمران، فراتر از کردستان و لبنان و... بود و دانشگاه را هم، سنگری می‌دانست برای دفاع از ارزش‌های مقدسش...

توطئه‌های فرهنگی و سیاسی دشمن

دشمنان اسلام پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی گمان کردند، این نهضت، محدود به زمانی کوتاه است که می‌توانند در مدت کوتاهی به آسانی آن را سرکوب کنند. از این رو، ابتدا به جنگ داخلی و سپس به محاصره اقتصادی، جنگ تحمیلی و تبلیغات علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی روی آوردند و اکنون پس از گذشت دو دهه از انقلاب، تلاش آنها نقش برآب شده است. در این میان، انگشت بر جامعه دانشگاهی گذاشته اند تا انقلاب را به بی‌راهی کشند. زهی خیال خام و گمان باطل! زیرا دانشجویان انقلابی و اسلامی، هشیارانه این توطئه‌ها را شناسایی و با استعداد از فرهنگ غنی اسلامی آن‌ها را خنثی می‌کنند.

ریحانه اشجری، ترم ۳، ارشد، دانشگاه الزهراء (س)

رقصی چنین میانه میدانم آرزوست...

پارت اول:

تو اومدی دکتری بخونی؟ (-) بله

مگه لیسانسو ارشد داری؟ (-) بله

در رشته طراحی صنعتی؟ (-) بله

مگه ایران رشته طراحی صنعتی داره؟ (-) بله

اصلا مگه خانم‌ها توی ایران میتونن درس بخونن؟ (-) خب بله

«و من شدم ایران، من باید پاسخگوی همه نقاط قوت و ضعف ایران می‌بودم. انگار من مسئول همه شرایط و وقایع بودم. چاره‌ای نبود و به این ناچاری ناراضی هم نبودم. من ناخواسته واسطه بخشی از اطلاعات شده بودم و این فرصتی بود تا آن طور که باید و شاید وظیفه ام را انجام دهم تصمیم گرفته شده بود من سفیر ایران بودم و حافظ منافع کشور و مردمم.»

اینها بخشی از کتاب خاطرات سفیر نیلوفرشادمهری است، دانشجوی ممتاز مسلمان محجبه‌ی ایرانی که موفق شده بود برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری در رشته طراحی صنعتی به فرانسه "مثلاً" مهد آزادی دنیا برود و در آنجا بود که با انواع نگاه‌ها درباره ایران و اسلام روبه‌رو شد و توانست پاسخگوی همه شبهات و ابهامات باشد و نظر افراد زیادی را نسبت به ایران و اسلام تغییر دهد.

واقعاً اگر ما یک روزی در این جایگاه قرار بگیریم چقدر میتوانیم زبان گویا و جلوه خوبی از دین اسلام و مکتب تشیع و ایران سرافراز باشیم؟

پارت دوم:

حالا فرض کن آمریکا هستی و در یکی از بهترین دانشگاه‌های دنیا تحصیل می‌کنی. در دانشگاهی که رقابت بین دانشجویان به حدی است، که با وجود بدون مراقب برگزار شدن امتحانات، کسی جرأت تقلب کردن از دست دیگری را ندارد! چون فقط ۷ درصد از دانشجویان موفق به کسب نمره A و دریافت مدرک دکتری در آن سال می‌شوند... در دانشگاهی که پیروزی رقیب تو

خانواده قرآنی

و امید بودند و خاضع و خاشع بودند

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

و زکریا را (یاد کن) که پروردگارش را ندا داد: پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی. (۸۹)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ

پس او را اجابت کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و نازایی همسرش را برای وی اصلاح نمودیم، آنان همواره در کارهای خیر می شتافتند و ما را از روی امید و بیم می خواندند و پیوسته در برابر ما فروتن بودند. (۹۰)

نمونه دیگر یک خانواده قرآنی که در قرآن به آن اشاره شده است خانواده حضرت زهرا سلام الله علیها است که در سوره انسان به آن اشاره شده است که از آیه ۷ سوره انسان به این خانواده می پردازد که نذری داشتند و هر بار مسکین و یتیم و اسیر را موصرد طعام قرار دادند در حالی که خودشان به آن نیاز داشتند و خداوند برای آنها پاداشی قرار داده و بهشت را آماده کرده و در آیات بعدی ویژگی های بهشت را معرفی می کند.

يُوفُونَ بِالَّذِئْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا

همواره نذرشان را وفا می کنند و از روزی که آسیب و گزندش گسترده است، می ترسند (۷)

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

و غذا را در عین دوست داشتن، به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می کنند. (۸)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

(و می گویند) ما شما را فقط برای خوشنودی خدا طعام می کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی از شما نداریم. (۹)

با الگو قرار دادن این خانواده هایی که قرآن از آنها یاد کرده و ویژگی های آنها را نام برده و مورد رضایت الهی هستند، می توان خانواده ای ساخت که مورد رضای الهی قرار گیرد و برکات فراوان بر آن نازل گردد.

فاطمه شرفی سقی، ارشد، علوم قرآن و حدیث

دانشگاه الزهراء (س)

خانواده یک رکن اصلی از جامعه است و قرآن هم توجه ویژه ای به خانواده دارد و آیات زیادی را به عنوان الگو و نمونه در مورد خانواده ها مطرح می کند مثلاً در آیه ۲۱ سوره روم اساس خانواده را بر محبت و مودت میدانند و می فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشند. (۲۱)

با پیوند زناشویی میان یک زن و مرد اساس تشکیل یک خانواده پی ریزی می شود. خداوند متعال نیز بین این دو مودت و رحمت قرار می دهد تا بیش از پیش برای رسیدن به مقام قرب الهی تلاش کنند؛ چرا که با ازدواج نیمی از ایمان حفظ می گردد و زن و مرد باید رسیدن به نیم دیگر ایمان را هدف مشترک خود قرار دهند. باید در روش تربیتی به الگوها و نمونه های برتری که هستند توجه کنیم و الگوها تاثیر زیادی در ساخته شدن افراد موفق دارد در قرآن نمونه هایی از خانواده های برتر اشاره شده مثلاً به خاندان حضرت ابراهیم در آیه ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران اشاره شده است که برگزیده هستند

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ
بی تردید خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و عمران را بر جهانیان برگزید. (۳۳)

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
فرزندانی که برخی از آنان از نسل) برخی دیگرند؛ و خدا شنوا و داناست (۳۴)

نمونه دیگری از خانواده قرآنی خاندان حضرت مریم هست که در سوره آل عمران آیه ۴۵ به آن اشاره شده است که خداوند بشارت داد که فرزندی به حضرت مریم خواهد داد که در دنیا و آخرت آبرومند هست. إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم یقیناً خدا تو را به کلمه ای از سوی خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می دهد که در دنیا و آخرت دارای مقبولیت و آبرومندی و از مقربان است. (۴۵)

نمونه دیگر یک خانواده قرآنی خانواده حضرت زکریا است که در سوره انبیا آیه ۸۹ و ۹۰ به آن اشاره شده است و فرموده که تو از بهترین وارثان عالم هستی و حضرت یحیی را به زکریا و همسرش داد که آنها در کارهای خیر تعجیل می کردند و همیشه در حال بیم

از این کارها بپرهیز

طبيب درد خود را بگويد و از وي راه درمان بطلبد يا پيش قاضى ظلمى را كه بر او رفته بيان سازد و از او احقاق بخواهد يا نزد دوستش از گرفتارى خود براى گرفتن وام سخن بگويد كار خلافى نكرده و به دنبال مشكل گشايى بوده؛ اما طرح مشكلات نزد كسانى كه هيچ گونه توانايى بر حل آن ندارند اثرى جز ذلت و سرافكندگى انسان نخواهد داشت. در اين گونه موارد بايد خويشتن دار بود و لب به شكايه نكشود.

آن گاه امام (ع) در جمله سوم مى فرمايد: «كسى كه زبانش را بر خود امير سازد شخصيت او تحقير مى شود»؛ (وَهَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ). منظور از امير شدن زبان آن است كه از تحت كنترل عقل و فكر خارج شود و هر چه بر زبانش آمد بگويد. بديهى است سخنانى كه از فكر و عقل و تقوا سرچشمه نمى گيرد در بسيارى از موارد خطرهايى ايجاد مى كند كه انسان قادر بر جبران آن نيست و گاه اسباب رنجش افراد آبرومند و سبب ايجاد اختلاف در ميان مردم و كينه و دشمنى نسبت به گوينده و ديگران مى شود و چه زيبا مى گويد شاعر عرب:

إِحْفَظْ لِسَانَكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ *** لَا يَلْدَغَنَّكَ إِنَّهُ تُعْبَانٌ كَمْ
فِي الْمَقَابِرِ مِنْ قَتِيلٍ لِسَانِهِ *** كَانَتْ تَهَابُ لِقَاءَهُ الْأَقْرَانَ

اى انسان زبان خود را حفظ كن - مراقب باش تو را نگرند كه از دههايى است. چه بسيارند كسانى كه در گورستان ها خفته اند و كشته زبان خويشند - همان كسانى كه هم طرازان آنها از ملاقات با آنها وحشت داشتند.

در حديث ديگرى در سلسله همين كلمات قصار مى خوانيم: «مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ»؛ كسى كه زياد سخن گويد اشتباهات زيادى خواهد كرد». و اين خطاي بسيار باعث تحقير و بى ارزش شدن او در نظرها مى شود. کوتاه سخن اين كه انسان عاقل بايد زبانش را در اختيار عقلش قرار دهد نه اين كه عقلش را در اختيار زبان كه اولى مايه سعادت است و دومى اسباب حقارت. شايد توجّه است صفات سه گانه نكوهيده اى را كه امام در اين بيان کوتاه ذكر کرده (طمع، فاش كردن ناراحتى ها نزد هر كس و امير ساختن زبان بر خود) هر سه در اين جهت مشترکند كه سبب ذلت و خواری می شوند و این هماهنگی در اثر سبب شده است .

مریم شهرابی فراهانی، ارشد، علوم قرآن و حدیث

دانشگاه الزهراء (س)

امام علی (ع) در بیانات نورانی خود در حکمت دوم نهج البلاغه به پیامدها و آثار سوء سه رذيله اخلاقی در عباراتی کوتاه و فشرده اشاره فرموده است.

نخست مى فرماید: «هر كس طمع را پيشه كند خود را حقير ساخته است». (أَزْرَى بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَشْعَرَ الطَّمَع). واژه «طمع» به معنای بیش از حق خود طالب بودن و گرفتن مواهب زندگی از دست ديگران است و تعبير به «استشعر» كه به معنای پوشیدن لباس زيرين است اشاره به اين است كه طمع را به خود چسبانده و از آن جدا نمى شود؛ بديهى است كه افراد طماع براى رسيدن به مقصود خود بايد تن به هر ذلتى بدهند و دست سؤال به سوى هر كس دراز كنند و شخصيت خود را براى نيل به اهداف طمعكارانه خود بشكنند. در سخنان رسول خدا(ص) مى خوانيم: «بَسَّسَ الْعَبْدُ عَبْدًا لَهُ طَمَعٌ يَقْوَدُهُ إِلَى طَبَعٍ» در حديث ديگرى از رسول خدا(ص) درباره خطر اين صفت مذموم مخصوصاً براى علما وارد شده است كه فرمود: «إِنَّ الصَّفَاةَ الزَّلَالَ الذِّى لَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ أَقْدَامٌ وَعَجِيبٌ أَيْنَ كَهَ هِنَاكُمَا كَهَ طَمَعٌ فَرْوَنِي يَأْبَدُ كَارَهَائِي مِنْ أَنْسَانٍ سَرَّ مِي زَنْد كَه كَامَلًا أَحْمَقَانَه اسْت»؛ شبيه آنچه درباره طماع معروف عرب به نام «اشعب» نقل شده كه بسيارى از اوقات هينگامى كه راه مِي رَفْت دَامِنِ خَوْذِ رَا بَه دَسْتِ مِي گِرَفْت و آن را در برابر آسمان باز نگه مى داشت و مى گفت: شنیده ام بعضی از پرندگان در حال پرواز تخم می گذارند شايد تخم آن پرنده در دامن من بيفتد. و يا نقل مى كنند هينگامى كه گروهى از كودكان او را در كوچه و بازار آزار مِي دَادَنَد بَرَاى پَرَا كَنَدَه سَاخْتَنِ أَنْهَا گِفْت: شنیده ام در فلان خانه حلوا پخش مى كنند بچه ها به سوى آن خانه دوپند ناگهان ديدند خود اشعب نيز به سوى آن خانه مِي دُود گِفْتَنَد: تو چرا؟ گفت: شايد حرف من درست باشد. اين داستان ها خواه واقعيّت داشته باشد يا نه اشاره به كارهاى ننگ آورى است كه انسان به جهت طمع انجام مِي دَهَد. نقطه مقابل طمع قناعت است كه سبب عزت آدمى مِي شُود هِمَان گُونَه كَه امير مؤمنان فرمود: «عَزَّ مَنْ قَنَعَ» آن كس كه قناعت پيشه كند عزيز خواهد بود».

و به گفته شاعر: آز بگذار و پادشاهی کن *** گردن بی طمع بلند بود!

در دومين نکته مى فرمايد: «كسى كه سفره دل خويش را نزد اين و آن بدون هيچ فايده) باز كند(و مشكلات خود را فاش سازد) رضاييت به ذلت خود داده است»؛ (وَرَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ صُرَّةِهِ). روشن است هرگاه انسان نزد

روح تعلیمات دین و مقتضیات زمان

موظف اند همیشه فقیرانه زندگی کنند و یا...

ولی هنگامی که به زندگی امام صادق (ع) نگاه می کنیم می بینیم آنها فقیرانه زندگی نمی کرده اند، غذای خوب خورده و جامه خوب پوشیده اند، این امور در ظاهر مخالف یکدیگر شمرده می شود و این ممکن است نقطه ضعفی برای شیعه شمرده شود اما نقطه قوت شیعه همین جا است.

ائمه در طول زندگانی خود به مثابه پیشوایی بودند که ۲۵۰ سال، فراز و فرودها و پیچ و خم ها و صورت های متغیر حوادث و وقایع را پیش رو داشتند که باید در سیره این بزرگواران دقت کنیم، تا متوجه شویم در این رفتارهای متغیر، چگونه اصول کلی دین را با موضوعات مختلف تطبیق دهیم.

هر کدام از پیشوایان ما در زمانی زندگی می کرده اند که اقتضائاتی داشته است و هر فردی ناچار است از مقتضیات زمان خود پیروی کند. یعنی دین نسبت به مقتضیات زمان مردم را آزاد گذاشته است.

اما نکته مهم اینجاست که ما باید بتوانیم روح تعلیمات دین را از آنچه که مربوط به مقتضیات عصر و زمان است تشخیص دهیم. روح دین را به عنوان اصل گرفته و مقتضیات زمان را رها کنیم.

ممکن است پیامبر (ص) عملی را انجام دهد به حکم اینکه روح دین اقتضا می کند و یا به حکم مقتضیات زمان.

در حدیثی در کافی آمده که سفیان ثوری خدمت امام صادق (ع) رسید و نسبت به اینکه امام لباس لطیفی پوشیده بود اعتراض کرد که پیامبر (ص) چنین لباسی نمی پوشیده، امام صادق (ع) فرمود: تو خیال می کنی چون پیامبر (ص) آنگونه لباس نمی پوشیده، مردم باید تا ابد آن طور باشند، تو نمی دانی که لباس پوشیدن جزء دستور اسلام نیست. در آن زمان، زندگی متوسط همان بود که پیامبر (ص) داشت. دستور اسلام (مواسات و مساوات) است باید دید اکثریت مردم چگونه زندگی می کنند، آنچه اسلام دستور می دهد همدردی و مواسات و مساوات و عدل و انصاف است که رهبر جامعه طوری زندگی کند که در فقر عقده تولید نشود. من همیشه متوجه حقوقی که به من تعلق می گیرد هستم بین روش من و پیامبر (ص) اختلاف اصولی و معنوی نیست.

اگر امام صادق (ع) اینگونه توضیح نمی داد ما آن جنبه از عمل رسول الله (ص) را که جزء مقتضیات زمان بود را جزء دستورات اسلام بر می شمردیم. اما این روشنگری امام صادق (ع) ما را از جمود و خشکی خارج می سازد و با روح

سیره معصومین: روح تعلیمات دین و مقتضیات زمان

معصوم، کسی است که قول و فعل و تقریر او برای ما حجت است. خداوند متعال در آیه (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ....) (احزاب-آیه ۲۱) حضرت رسول (ص) را اسوه و الگوی نیکویی برای ما معرفی می کند. در حدیث ثقلین نیز حضرت رسول (ص)، لزوم تمسک به قرآن و اهل بیت را متذکر می شود.

اما هنگامی که به زندگانی پیامبر (ص) و یا ائمه معصومین رجوع می کنیم به ظاهر تعارض ها و تناقضاتی را مشاهده می کنیم و با تحلیل سطحی این عمل و رفتار معصومین و عدم دقت، دچار شک و شبهه و سردرگمی خواهیم شد. زندگانی ۲۵۰ ساله ائمه معصومین از رحلت حضرت رسول اکرم (ص) در سال (۱۱ ه.ق) تا زندگانی امام حسن عسکری و آغاز غیبت صغری در سال ۲۶۰ (ه.ق) که به عنوان یک منبع غنی و پر بار در وقایع و اتفاقات گوناگون رویکرد ائمه را نشان می دهد، به جای اینکه نقطه قوت برای ما باشد، یک نقطه ضعف محسوب خواهد شد زیرا نمی توانیم، چرایی این رویکردهای به ظاهر متعارض را به درستی دریابیم.

به عنوان مثال، در مکتب سیاسی- اجتماعی ائمه، مکتب امام حسین (ع) مخصوص به خود اوست و راه و روشی را که امام حسین (ع) برای مبارزه با ظلم و جور اتخاذ می کند با روش سایر ائمه در رفتارهای سیاسی- اجتماعی، متفاوت است و برای ما به عنوان یک مسلمان سؤال ایجاد می شود که ما باید پیرو کدام مکتب باشیم؟ کدام منش و جهت را اتخاذ کنیم؟

و یا در بعضی از امور پیامبر اکرم (ص) به گونه ای رفتار می کرده و امام علی (ع) به گونه ای دیگر و یا اینکه امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) طوری دیگر رفتار کرده اند؟ پس ما در عمل باید چه کنیم؟ تابع کدام سیره و عمل باشیم؟ شیعه یک معصوم ندارد، ۱۴ معصوم دارد و چون از هر کدام راه و رسم های مختلفی ذکر شده است در نتیجه یک نوع حیرت و ضلالت برای شیعه ایجاد می شود و البته این تضادهای ظاهری دستاویزی برای رسیدن به مقاصد برخی افراد نیز می شود و هر کدام به حدیثی استناد کرده و هر کس هر جور دلش می خواهد رفتار می کند و اصول ثابت اخلاقی و اجتماعی کمرنگ شده و هر کس برای خود طرز فکر و عملی دارد.

هنگامی که به سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نگاه می کنیم فقیرانه زندگی می کردند و نان جو می خوردند و لباس وصله دار هم می پوشیدند. اما با توجه به اینکه رسول الله (ص) اسوه حسنه است پس آیا مؤمنین

تعلیمات دین آشنا می سازد.

اسبهای تیزرو اشاره دارد.

یک سری مسائل داریم که روح تعلیمات دین است و دستور کلی الهی که قابل تغییر و تبدیل نیست، ناشی از مصالح کلی بشریت است، تا بشریت هست این دستورات کلی اسلام هم هست. اما مقتضیات زمان هر عصر، که یک سری مسائل و تعارضات را به وجود می آورد، مربوط به هر عصر هست که با توجه به آن مقتضیات می توان رفتار کرد.

امامان شیعه در اصول کلی و روح حاکم بر آن، علی رغم تفاوت ظاهری در مجموع یک حرکت مستمر و طولانی داشتند که ۲۵۰ سال به طول انجامید.

یعنی در روح حاکم بر دین اگر امام حسین (ع) هم در شرایط امام حسن (ع) بود صلح می کرد و اگر امام حسن (ع) هم در شرایط امام حسین (ع) بود جنگ و قیام مسلحانه در دستور کار قرار می گرفت.

یعنی با توجه به شرایط زمانه، هر کدام با یک نوع عمل و عکس العمل روح حاکم بر دین را حفظ کردند.

به عنوان مثال: در آیه (وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ ...) (انفال - آیه ۶۰) تأکید بر لزوم حفظ و تجهیز قدرت نظامی در برابر دشمنان می باشد. در هر عصری تجهیزات نظامی به شیوه ای است. در آیه فوق به (رباط الخیل)

آیه فوق مثال روشنی از مقتضیات عصری و روح حاکم بر تعلیمات دین دارد. طبق آیه فوق روح حاکم بر دین تجهیز قدرت نظامی تا تهدید دشمن مد نظر می باشد اما این تجهیز قدرت در هر عصری متفاوت است. در عصر نزول اسب های تیزرو و در عصر حاضر انواع موشک ها و پهپاد و....

بنابراین ما در اتخاذ سیره و روش زندگانی معصومین، باید بتوانیم مقتضیات هر عصر و زمانی را از روح تعلیمات دین تمییز داده و اصول ثابت اخلاقی و اجتماعی را ذیل روح کلی حاکم بر دین حفظ کنیم و درگیر اقتضائات زمانی نشده و آن را با روح حاکم بر دین، خلط نکنیم.

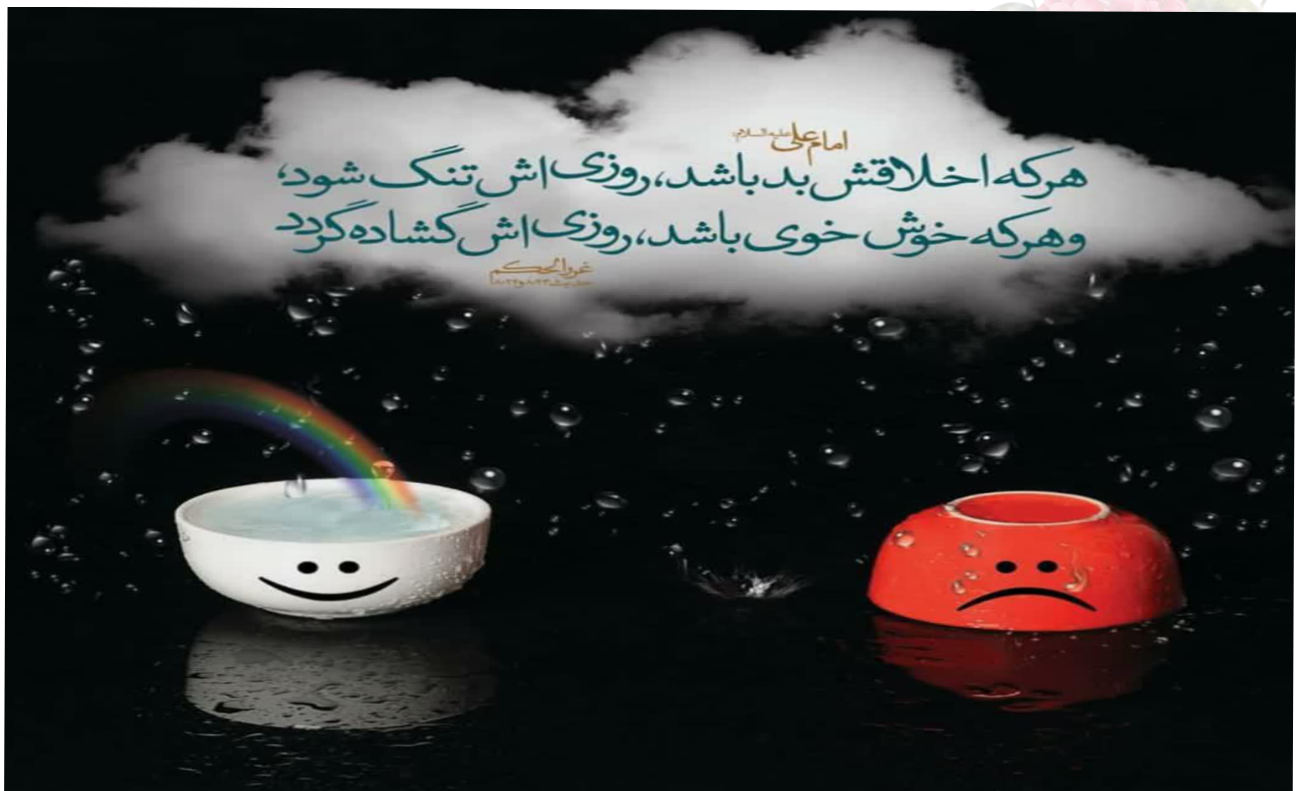
منابع:

قرآن کریم

سیره معصومین، مطهری، مرتضی، تهران، بینش مطهر ۱۳۹۱،

انسان ۲۵۰ ساله، خامنه ای سید علی، انتشارات صهبا ۱۳۹۷،

زهرا مهربانی، ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)



عکس ارسالی از پیج اینستاگرام حدیث گرافی (hadithgraphi) دانلود شده توسط زهرا طالقانی زاده، ترم ۳ ارشد

خلاصه ای از مقاله تحلیل محتوای احادیث رضوی در موضوع «بخل» با رویکرد تربیت اخلاقی / نوشته فرشته معتمد لنگرودی و فتیحه فتاحی زاده

عملی رفاه و عدالت اجتماعی است که منشأ آن در اخلاق اقتصاد فرد است.

با بررسی احادیث امام رضا (ع) به روش تحلیل محتوا، معلوم می شود که آنچه برای امام رضا (ع) در تبیین موضوع بخل مهم بوده، تصریح واژه بخل است؛ نسبت به واژگان هم مفهوم آن مثل: ایمان، فقر، حرص، نار، مال

در مقوله بندی احادیث رضوی بخل، در سبب شناسی بخل، مال دوستی مهم ترین دلیل این اخلاق دانسته شده است.

روش های اصلاحی تربیت اخلاقی امام رضا (ع) پیرامون صفت بخل:

امام رضا (ع) با به کارگیری روش تذکر در قالب سخنان فطرت الهی و اولیه متربی را شکوفا می سازد و او را به اصلاح رفتار سوق می دهد.

کسی که با توجه به تذکرات امام رضا (ع) اینگونه بنگرد که خداوند از نعمت هایش بهره هایی به افراد داده است تا ظرفیت آنان را بسنجد، در پرداخت فرائض الهی می کوشد و حب مال را از دل بیرون می راند.

امام رضا (ع) در بیان آثار بخل، روش تربیتی انذار را مورد توجه قرار داده است.

ایشان ابتدا در گام اول، بی ایمانی را بیان می کند که تأثیر جدی بخل ابتدا در اعتقادات فرد است و در مرحله بعد، این اعتقاد بستری برای سلب آسایش فرد در دنیا می گردد؛ بدین گونه که همواره در تکاپوی مال اندوزی است.

چه بسا بی آبرویی و از بین رفتن احترام شخص جزو علایم دور ماندن از نیک بختی باشد، با توجه به تأثیر نامطلوب خصیصه بخل بر اعتماد شخص بخیل، در نهایت فرد بخیل از بهشت برین که خداوند برای مؤمنان مهیا کرده است، دور می ماند.

بدین ترتیب، حضرت با انذار و آگاه کردن افراد پیرامون آثار بخل، از روش تربیتی و اصلاحی انذار بهره گرفته اند و اعطای بینش و آگاهی درباره آثار بخل و پایبندی به ایمان را به متربی معرفی می نمایند.

خلاصه شده توسطه محدثه عباسی / رشد علوم قرآن و حدیث
دانشگاه الزهراء (س)

از یک دیدگاه کلی بخل در علم اخلاق اسلامی با رویکردی هنجارگرا تبیین شده و به تربیت انسان ها پرداخته است و تأکیدی بر ضرورت تجدید نظر در اعمال و رفتارها دارد.

بخل یک غریزه نفسانی است که خداوند متعال آن را در وجود انسان قرار داده تا به وسیله این غریزه، منافع و مصالح خود را حفظ کند و از ضایع شدن آن دریغ کند.

لازم به ذکر است که بخل تنها جنبه مالی ندارد و فرد بخیل از هزینه کردن هر سرمایه ای مثل مالی، فکری و ... اجتناب می کند.

امام رضا (ع) در تبیین نشانه فرد بخیل می فرماید: بخیل کسی است که از غذای مردم نمی خورد تا مردم هم از غذای او نخورند!

درواقع از کلام امام اینگونه برداشت می شود که رفتار بخیلانه موجب شکل گیری سیستمی بسته و جدای از مردم می شود؛ چرا که ماهیت این رفتار به گونه ای است که همه ارتباطات و تعاملات را از بین می برد.

به نظر می رسد امام رضا (ع) از بیان اینگونه نشانه انسان بخیل، قصد داشته مهمان نوازی را در جامعه گسترش دهد تا افراد در ضمن روابط و همزیستی اجتماعی از بخل بپرهیزند.

امام رضا (ع) در ضمن حدیثی، بخیل را اینگونه معرفی می کند که کسی است که از پرداخت فرائض الهی استنکاف می ورزد.

این کلام امام دلالت دارد بر این که مصداق آنچه خداوند واجب کرده تا پرداخته شود، زکات و خمس است.

شخص بخیل به مال وابستگی و دلبستگی دارد. به گونه ای که این تعلق مذموم، او را از کار خیر و پرداخت فرائض الهی محروم می گرداند.

بخیل فرض می کند که انباشت و حفظ مال، نشانه هوشمندی و زیرکی است. غافل از اینکه کیاست و خردمندی مؤمن، در اطاعت از دستورات الهی که طبق آن انفاق حق واجب، به نفع فرد و جامعه از لحاظ دنیا و آخرت است.

هدف از پرداخت فرائض الهی در نظام اقتصادی اسلام، رعایت عدالت در توزیع منابع و درآمد و ثروت است تا از انباشته شدن ثروت جلوگیری شود و همگان از مواهب الهی بهره مند گردند و در نتیجه، توسعه پایدار در نظام اقتصادی به وجود آید.

در واقع، هدف تربیتی امام هشتم (ع) در خصوص پرهیز از بخل در پرداخت فرائض الهی، رسیدن به مواسات در اموال و تحقق

صحیفه مهربانی

خدایا می خواهم دعایی کنم.

دعایی در حق پدر و مادرم.

اما نمی دانم چگونه در حقشان دعا کنم که درخور تمامی زحماتی باشد که تا کنون برایم کشیده اند.

از این رو به صحیفه سجادیه مراجعه می کنم تا مرواریدی از سخنان گهربار امام سجاد (ع) را ببینم و از ایشان الگو بگیرم.

بار الها! دانش آنچه از حقوق پدر و مادرم بر من واجب است را به من الهام نما و دانش همه آن حقوق واجبه را برایم فراهم آور؛ سپس مرا به آنچه به دانشش بینایم می کنی توفیق ده تا به کار بستن از خدمت کردن بر اساس حقوقی که به من الهام فرموده ای، سنگین نشود.

خداوند! چنانم قرار ده که از پدر و مادرم مانند ترسیدن از پادشاه ستمکار بترسم و به هر دو همچون مادری مهربان نیکی کنم و اطاعت و نیکوکاری ام را به آنان در نظرم از خواب خواب آلوده، شیرین ترین و برای سوز سینه ام، از شربت

گوارا در ذائقه تشنه، خنک تر گردان تا خواسته هر دو را نسبت به خواسته خود بیشتر دوست داشته باشم و خشنودی آنان را به خشنودی خود، پیش اندازم و نیکوکاری ایشان را در حق خود، هر چند اندک باشد زیاد شمارم و نیکوکاری خود را درباره ایشان هر چند بسیار باشد، اندک به حساب آورم.

معبود! صدایم را در محضر آنان آهسته و گفتم را پاکیزه و دلنشین و خوی و خصلتم را نسبت به آنان نرم کن و دلم را به هر دو مهربان ساز و مرا نسبت به هر دو اهل مدارا و نرمش و مهربان و دلسوز گردان.

خدایا! آنان را به پاس پرورش من پاداش بخش و در برابر گرامیداشت من جزا عنایت فرما و هر چه را در کودکی ام نسبت به من منظور داشتند، در برابرشان منظور دار. (دعای ۲۴ صحیفه سجادیه)

فاطمه زهرا زوری، ترم اول کارشناسی، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء (س)

رسول اکرم:

نگاه محبت آمیز فرزند به پدر و مادرش

عبادت است.

منبع: تحف العقول، ص ۴۶



انتظار و آمادگی برای ظهور

غضبناک شدید باید از مهلکه خارج شوید وگرنه قطعاً زمین خواهید خورد. شرط دیدن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تقواست و بس. مقداری هم زبان را قُص داشته‌اند و باید ثابت کنی اختیار زبانت را داری. (آیه الله خوشوقت (ره)، نشریه صالحین، شماره چهارم، ص ۲۴)

نگران هر چیزی باشی خودت را فدای آن کرده‌ای. برای چیزی خودت را قربانی کن که بیارزد. تنها چیزی که ارزش نگرانی دارد عدم رضایت خدا و ولی خداست. (حجت الاسلام پناهیان)

وقتی بنده با خدا خلوت می کند، خالق هم با او خلوت کرده است. (آیه الله بهجت نکته های ناب، ص ۸۸)

یک آیه یک درس:

إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بی تردید کسانی که گفتند پروردگار ما الله است سپس) در میدان عمل بر این حقیقت (استقامت ورزیدند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. احقاف، ۱۳)

دلیل پایداری نداشتن در راه اقامه ی حق:

دلیل اینکه ما در راه اقامه ی حق و عمل کردن به دین خدا پایداری نداریم این است که حاضر نیستیم برای خدا از این نعمت ها و رزق ها دست برداریم این به خاطر آن است که ما نسبت به خداوند آن تعلق قلبی خاص را نداریم. و آن طور که باید دل بسته به او نیستیم.

فائزه بنایی، ارشد ترم ۳، علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)

امام (باقر علیه السلام) فرمودند: هرگاه قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ظهور کند، خداوند او را با فرشتگان مقرب و نشان دار (بالملائكة المسؤمین) یاری می کند جبرئیل پیشاپیش او و میکائیل از طرف راست و اسرافیل از طرف چپ او حرکت می کنند بهت و رعب و وحشت به فاصله ی یک ماه از جلو، عقب، چپ و راست او حرکت می کنند (یعنی شعاع هیبت آن حضرت تا مساحت یک ماه راه را زیر پوشش میگیرد.) و فرشتگان مقرب خدا خدمت گزاران او هستند. همراه او شمشیری برکشیده و برهنه است. خداوند متعال روم، دیلم، هند، کابل و خزر را برای او فتح می کند. (کتاب الغیبه نعمانی ص ۲۳۴)

امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرمایند: حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زمانی ظهور می کند که بیشتر مردم منکر آن حضرت باشند و زمانی که ایشان ظهور نمایند شادابی و موفقیت به مردم باز می گردد و هیچکس در انتظار ایشان ثابت قدم نمی ماند مگر مؤمنی که خداوند در عالم ذر از او پیمان گرفته باشد. (یوم الخلاص ص ۲۱۶)

برای تحکیم امید به فرج و حتی برای نزدیک کردن آن و نجات یافتن در آن باید ابتدا از عوام زندگی نجات پیدا کرد. و این مقدمه ی تغییر وضعیت و نجات است چرا که اراده ی خداوند متعال به آن تعلق گرفته است که انسان ها با اقدام آگاهانه ی خود، مقدمه ساز تغییر اوضاع عالم بشوند (إِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرَ مَا بَانْفُسِهِمْ) خداوند سر نوشت هیچ قومی (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند. (کتاب انتظار، حجه الاسام پناهیان، ص ۱۶)

سوراخ کردن کیسه ی اعمال:

(کسی که اخلاق خوش در خانه دارد مانند کسی است که روزها را روزه و شبها را عبادت کند.)

در یک کلام، زبان باعث سوراخ کردن کیسه ی اعمال است هر چند اعضاء زحمت می کشند و جمع می شوند یک حرکت زبان کیسه را سوراخ می کند! اگر از زن و فرزند



انتظار ایجاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیبت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیبت متوقع است. ۱۳۷۵/۱۸

حس ورود به دانشگاه در زمان کرونا

دیدار دخترانش در خانه هایشان می آیند. مادرم چه سعادت بالاتر از این آمین گوی دعای ما شما باشید، که این دعا با بال های فرشتگان تا عرش الهی همراه خواهد شد. پس دعای دسته جمعی دخترانت راحت شدن از شر این بیماری منحوس است راستش مادرم زهرا حال که درس هایمان مجازی شده خیلی برایمان سخت و دشوار میگذرد، بعضی وقتا اینترنت همراهی نمی کند و بعضی وقتا احتیاج به حضوری سرکلاس بودن داریم که استاد بر روی تخته توضیح دهند تا بهتر درس این مکتب را بیاموزیم، دعا می کنم اول برای فرج دوم برای مردمم، که یکایک این بزرگان در عذاب و ناراحتی از این بیماری هستند که حتی ترکش های این بیماری دارد به یادگیری ما هم می رسد. الحمدلله اساتید دلسوزی داریم که با تمام جان و وجودشان برای هرچه بهتر یادگیری ما تلاش می کنند. خداقوت به این بزرگواران. از خداوند متعال خواستارم که هرکس در راه علم تلاش می کند محفوظ بدارد و اجرشان را هم نشینی باحضرت زهرا.

میمنه میری ترم یک کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث
دانشگاه الزهرا (س)

این بار دست به قلم میشوم تا درباره ی خواسته ها و رویاهایم بگویم چقدر دنیا عجیب و پیچیده است همیشه مادر به من می گوید یادت باشد دنیا آن طور که تو می خواهی پیش نمی رود، شاید روزی در کوچه ی خیالات تو را غافل گیر کند. راستش نزدیک دو یا سه سال است که رویای من این است که از تونل دبیرستان به فارغ التحصیلی و از فارغ التحصیلی پا به ورودی دانشگاه بگذارم، دانشگاهی که رویاها و آینه ی زیبایم را در کنار آن می دیدم بارالها شکر که توفیق قبول شدن در این دانشگاه را به من دادی، اما حیف که توفیق حضوری شرکت کردن در کلاس های دانشگاه را ندادی صد حیف که دیدار چهره به چهره با اساتید دانشگاه و استفاده عالی از علم و محبت این اساتید محترم را از ماسلب نمودی.

یادم هست همه ی رویایم این بود که در مکتب عشق درس بخوانم در مکتبی که قدمگاه مادرم زهرا باشد، مکتبی که همانام مادرم باشد در مکتبی که دختران مادرم در آن جا علم می آموزند تا مادری شوند برای سربازان پسر مهدی فاطمه و چه افتخاری بالاتر از این. حال که در این مکان پراز نور الهی حضور نداریم میدانم و معتقدم مادرم زهرا تک به تک به



آیه گرافی:

لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا

برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم (سوره مائده آیه ۴۸)

صاحب امتیاز: همه دانشجویان ایران زمین

مدیر مسئول: زینب شاه محمدی

سر دبیر: محدثه عباسی

هیأت تحریریه: ریحانه اشجری، فائزه بنایی،

سیده فاطمه بهبهانی زاده، فاطمه زهرا زوری، فاطمه

شرفی سقی، مریم شهرابی فراهانی، زهرا طالقانی زاده،

محدثه عباسی، مهرناز مولوی، زهرا مهرابی، میمنه

میری

طراح لوگو: مهرناز مولوی

ویراستار: زینب شاه محمدی

باتشکر ویژه از دبیر انجمن خانم نگار دین پژوه

با مادر ارتباط باشید. منتظر همه شما قرآن پژوهان

و دانشجویان عزیز جهت همکاری در شماره های

بعدی هستیم.

menhaj۱۳۹۹@gmail.com

@ze-shahmohammadi

(ارتباط مستقیم شما با مدیر مسئول در ایتا)